

بررسی و شناخت ویژگی های مسجد

از منظر آیات و روایات اسلامی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۴/۱۸)

راضیه میرزایی

چکیده

نام مسجد یادآور بندگی در برابر پروردگار متعال است. مسجد، جایگاه سجده است و سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خدا: السُّجُودُ مُتَّبَعَةٌ مِنَ الْعِبَادَةِ مِنْ بَنِي آدَمَ. مسجد نمونه اسلام عهده دار نقشهای مهمی در عرصه های عبادی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی است. اسلام به عنوان کاملترین دین و با نظام جهان شمولی که دارد اساس الگو سازی را در بخش های مختلف ارائه کرده است که مهمترین و جامع ترین الگو را در فرهنگ سازی مسجد قرار داده است. یکی از نقش های اصلی و محوری مسجد آن است که زمینه را برای عبادت خالصانه و پر جمعیت فراهم کند تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز و دعا، با خداوند متعال به معنای واقعی کلمه اُنس بگیرند. هر اندازه مسجد در ایفای این نقش حیاتی موفق و قوی عمل کند، به مسجدی که قرآن و سنت آن را ترسیم نموده، یعنی «مسجد نمونه» نزدیکتر است. ائمه معصومین (علیهم السلام) در سخنان خویش مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن بر شمرده اند که انسان در آن جا از اضطراب فاصله گرفته و به آرامش دست می یابد امام صادق (ع) به مسلمانان سفارش می کردند که به هنگام مواجهه با مشکلات دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند. در اهمیت مسجد همین بس که خداوند می فرماید من کراهی زمین را که خلق کردم، ابتدا مسجد الحرام را برای عبادت قرار دادم. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۹۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در بدو ورود به مدینه اولین کاری که انجام دادند، ساختن مسجد بود. در قبا مسجد ساختند، بعد از ورود به مدینه هم مسجد ساختند.

کلید واژگان: اسلام، مسجد، امام جماعت، جوانان، نیروی جذب مسجد، ساختار مساجد

بخش اول: بررسی معنی لغوی مسجد و کاربرد واژه مسجد در قرآن

مسجد اسم مکان است. یعنی محل سجده و آن از قاعده معروف مستثنی است. زیرا قاعده اسم زمان و مکان از ثلاثی مجرد اگر عین مضارع آن مضموم یا مفتوح باشد، مفعل بفتح (ع) است مثل مطبخ و مذبح و اگر عین مضارع مکسور باشد قاعده آن مفعل است بکسر (ع) مثل منزل و مجلس، یازده کلمه در زبان عرب بر خلاف این قاعده آمده با آنکه عین مضارع آنها مضموم است. عین اسم زمان و مکانشان مکسور آمده مثل مسجد مشرق، مغرب.^۱

لغت شتاسان به مکان سجده مسجد گویند صاحب مصباح المنیر می گوید المسجد بیت الصلاة.^۲

در لسان العرب به نقل از ابن العرابی می نویسد:

«المسجد، بفتح الجیم محراب البیوت و مصلی الجماعات «مسجد به فتح جیم، محراب خانه ها و مکان نماز جماعت است.»

صاحب کتاب العین مسجد را اینگونه تعریف کرده است:

« فاما المسجد من الارض فموضع السجود نفسه کلمه مسجد از زمین است و جایگاه سجده در آن است.»^۳

راغب اصفهانی نیز در کتاب مفردات خود مسجد را محل سجده و عبادتگاه معنی کرده مانند آیه (لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ...) (توبه/ ۱۰۸) مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی و (وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا...) (توبه/ ۱۰۷) و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه ی زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است

۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، تهران، ۱۳۷۱ ش ج ۴ ص ۲۲۵

۲. فیومی، مصباح المنیر، بی جا، بی تا، ج ۲ ص ۲۲۶

۳. فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، قم، ۱۴۱۰ هـ، ج ۶ ص ۴۹

معنی کرده است. در قرآن کریم ۲۸ بار واژه «مسجد» به کار رفته است ۲۲ بار به صورت مفرد و ۶ بار به صورت جمع «مساجد» و در مجموع این آیات ۱۵ بار کلمه مسجد با «الحرام» ترکیب شده است که از این تعداد ۹ مورد مربوط به حج می باشد و برای مواردی چون معراج پیامبر، عدم ورود مشرکان به مساجد برای هر کدام ۱ مورد بوده است و نیز یک مورد در سوره اسرابا لفظ الاقصی ترکیب شده است «مسجد الاقصی» ۵ مورد بدون ترکیب آمده است از مجموع ۶ مورد جمع به کار رفته در آیات کلام الهی ۳ بار با کلمه الله ترکیب یافته (مساجد الله) و بقیه کلمه جمع بدون همراه و ترکیب می باشد.^۱

بند اول: جایگاه مسجد در قرآن، احادیث و روایات

در قلمرو مفاهیم قرآنی مسجد اصطلاحی قرآنی است و به مکانی گفته می شود که خداوند در آن پرستش شود خواه مسجد دوره اسلامی باشد خواه معبد قبل از اسلام، برای نمونه به این آیه توجه توجه نمایید که در باره معبد یهودیان است و قرآن اصطلاح مسجد را به کار برده است) ولیدخلو المسجد کما دخلوه اول مره (اسرا/۷) و تا در آن مسجد در آیند چنان که بار نخست در آمدند.^۲ در سوره جن آمده است (أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا) (جن/۱۸) مساجد از آن خداست پس هیچ کس را با خدا نخوانید. در این که مراد از مساجد در این آیه چیست میان مفسران اختلاف است علامه طباطبایی معتقد است:

۱- مراد از آن، کعبه است. بعضی گفته اند: مسجد الحرام است. بعضی آن را مسجد الحرام و مسجد الاقصی دانسته اند. و اشکالی که به این سه قول وارد است این است که کلمه مساجد جمع است و با یک مسجد و دو مسجد منطبق نمی شود.

بعضی دیگر گفته اند: همه حرم است. این قول هم بدون دلیل حرف زدن است.

۲. موظف رستمی، محمد علی، آیین مسجد، تهران، ۱۳۸۲ ش، ج ۱ ص ۱۶

۱. گروهی از پژوهشگران، سیمای مسجد در قرآن، قم، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۷

۲- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود همه زمین را برای من مسجد و طهور کردند این حدیث هم به بیش از این دلالت ندارد که امت اسلام می‌توانند در هر نقطه از زمین نماز بخوانند، به خلاف آنچه از کیش یهود و نصاری مشهور است که نمازشان تنها باید در کنیسه و کلیسا واقع شود حدیث تنها جواز را می‌رساند. و اما اینکه همه زمین را مسجد بخواند تا هر جا کلمه مساجد گفته شد شامل قطعه قطعه‌های سطح زمین گردد چنین دلالتی ندارد.

۳- بعضی هم گفته‌اند: مراد از آن نمازها است که جز برای خدا خوانده نمی‌شود، این نیز بدون دلیل سخن گفتن است و از امام جواد (علیه السلام) روایت شده که مراد از مساجد اعضای هفتگانه بدن آدمی است که در هنگام سجده باید روی زمین قرار گیرد و عبارتند از: پیشانی، دو کف دست، دو سر زانو و دو سر انگشتان بزرگ پا، و اما با در نظر گرفتن این حدیث آنچه به نظر ما مناسب‌تر است این است که بگوییم: مراد از برای خدا بودن مواضع سجده از انسان این است که مواضع هفتگانه سجود تشریعا به خدا اختصاص دارد نه اینکه غیر از این هفت عضو از بدن انسان ملک خدا نیست.

نه، همه ملک تکوینی خدا هست و این هفت عضو تشریعا هم از آن خداست و مراد از "دعاء" که فرموده "پس غیر خدا را نخوانید" نیز همان سجده است، چون روشن‌ترین مظاهر و مصادیق عبادت و یا خصوص نماز همان سجده است، و اصلا نماز به خاطر سجده است، که عبادت نامیده می‌شود.^۱

فخر رازی در تفسیر مفاتیح الغیب ذیل این آیه می‌گوید: «اختلفوا فی المساجد علی وجوه أحوها: و هو قول الأكثرین: أنها المواضع التي بنيت للصلاة و ذکر الله و یدخل فیها الكنائس و البیع و مساجد المسلمین، و ذلك أن أهل الكتاب یشركون فی صلاتهم فی البیع و الكنائس، فأمر الله المسلمین بالإخلاص و التوحید و ثانيها: قال الحسن: أَرَادَ بِالْمَسَاجِدِ الْبِقَاعَ كُلَّهَا»^۲ در

۱. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، ۱۳۷۴ش، ج ۲۰ ص ۷۷

۲. فخر رازی، ابو عبدالله، مفاتیح الغیب، بیروت، ۱۴۱۰ه، ج ۳۰، ص ۶۷۳

باره مساجد به شکل‌های مختلف اختلاف نظر وجود دارد. یکی از آنها که نظر اکثریت هم می‌باشد این است که آنها جایگاه‌هایی است که برای نماز و ذکر خدا ساخته شده است و آن کنیسه‌ها و کلیساها و مساجد مسلمانان را شامل می‌شود، خداوند به مسلمانان به اخلاص و توحید دستور داده است. و نظر دوم: نظر حسن بصری است که گفت منظور از مساجد همه بقاع می‌باشد.

صاحب تفسیر مجمع البیان در این باره می‌فرماید: «مساجد. مواضع سجده انسانی است در نماز و آن پیشانی و دو کف دست و دو انگشت بزرگ پای و دو سر زانوست و چون آنها را خدای تعالی ایجاد کرده و بسبب آنها انعام و احسان نمود بر مردم. پس سزاوار و شایسته نیست که با آنها برای غیر خدای تعالی سجده کند.»

و روایت شده که معتصم عباسی از حضرت اباجعفر محمد بن علی بن موسی الرضا (علیهم السلام) سؤال کرد از قول خدای تعالی (وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ). فرمود: آن هفت موضع سجده است.

در عصر معتصم عباسی شخصی دزدی کرد. او را گرفته و در حضور معتصم آورده در حالی که حضرت جواد الائمه (علیه السلام) و علمای بزرگ اهل سنت حاضر بودند. و دزد اقرار به سرقت خود کرد پس معتصم به علما گفت او را چگونه باید حد زد بعضی از آنها گفتند:

باید دست راستش از بالای کف برید معتصم گفت به چه دلیل گفتند به دلیل آیه (تِيْمَمُ فَتِيْمَمُوا صَعِيْدًا طَيِّبًا) چون دست در این آیه بر کف اطلاق شده، زیرا باید کف دست را بخاک زد. بعضی گفتند خیر باید از آرنج برید زیرا در آیه وضوء (فَاعْسِلُوْا وُجُوْهَكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ اِلَى الْمَرَافِقِ) دست به مرفق اطلاق شده بعضی دیگر گفتند خیر باید دست را از صاعد و بازو برید چون عرفا دست به همی این عضو گفته می‌شود. بحث بالا گرفت و حضرت جواد (علیه السلام) ساکت بود معتصم عرض کرد یا اباجعفر شما چه می‌فرمائید فرمود: اینها که گفتند گفت شما بفرمائید و اصرار کرد حضرت فرمود همه‌ی اینها اشتباه کردند دست دزد باید از

انگشتان بریده شود. گفت چرا؟ فرمود. برای قول خدای تعالی (أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا) دزد مگر نباید بعد از قطع دست نماز بخواند کف دست او باید در سجده به زمین آید و آن مخصوص خداست دیگری در آن حقی ندارد. پس معتصم انگشتان دزد را برید و این یکی از موجبات شهادت آن حضرت گردید.^۱ مساجد بمعنی مواضع سجود از اعضاء بدن در اصول کافی نیز آمده است: حمید بن زیاد، عن الحسن بن محمد الکندی، عن أحمد بن الحسن المیثمی عن أبان بن عثمان، عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن الحنوط للمیت، قال: اجعله فی مساجده. از امام صادق (عليه السلام) از حنوط میت پرسیدم؟ فرمود: «اجعله فی مساجده» یعنی حنوط را در اعضاء سجود او قرار ده.^۲

بخش دوم: نیاز به مسجد به عنوان اولین اولویت مهم در زندگی

بی شک یکی از عوامل مهم و موثر در پیشبرد فرهنگ و تمدن اسلامی در زمینه های مختلف آموزشی، تربیتی و فرهنگی وجود مساجد بوده و هست در صدر اسلام مساجد عهده دار نقشهایی چون آموزشی، عبادی، سیاسی، قضایی جهادی، پرستاری بیماران و مجروحان، اعزام نماینده به نقاط دیگر بود بدین سان بنیان گذاری مسجد در هر جایی که اسلام گام می نهاد ضرورتی اجتناب ناپذیر می نمود. لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بدو ورود به مدینه، دو مسجد قبا و مسجد النبی را تاسیس نمود تا بتواند امور مسلمین را ساماندهی کند. حضرت پس از ورود به قریه قبا که در شش کیلومتری مدینه قرار داشت، ابتدا مسجد قبا را تاسیس کرد و آن را مرکز فعالیت های چند روزه خود که در آنجا اقامت داشت قرار داد. قرآن در سوره توبه به این موضوع اشاره نموده است. (... لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ) (توبه / ۱۰۸) ... مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی [و] در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد. قرآن

۱. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ۱۳۶۰ ش، ج ۲۵ ص ۳۸۸

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران، ۱۳۶۳ ش، ج ۳ ص ۱۴۶

در سوره یونس آیه ۸۷ می‌فرماید (وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) (یونس/۸۷) و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه‌هایی ترتیب دهید و سراهایتان را رو به روی هم قرار دهید و نماز برپا دارید و مؤمنان را مژده ده. صاحب تفسیر مجمع البیان در ذیل این آیه چند قول ذکر کرده است:

۱- اینکه چون خدای تعالی فرعون را خلق کرد و موسی وارد شهر مصر گردید مأمور شد مساجدی بسازد که در آن‌ها نام خدا برده شود و آن مساجد را رو به قبله یعنی رو به کعبه بنا کند چون قبله‌ی آن‌ها همان کعبه بود.

۲- فرعون دستور داد مسجدهای بنی اسرائیل را ویران کنند و از نمازشان جلوگیری کنند. خدای تعالی آنها را مأمور کرد تا مسجدهایی در خانه‌های خویش بسازند و در آنجا نماز بخوانند تا از شر فرعون در امان باشند. و معنای این آیه این است خانه‌های خود را عبادتگاه قرار دهید و در خانه‌هایتان نماز بخوانید تا از خوف فرعون در امان باشید.

۳- جمله (واقیموا الصلاة) در این آیه قرینه‌ای بر (أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا) می‌تواند باشد جهت ساخت مسجد.^۱

نتیجه اینکه آیات قرآن روشنگر این حقیقتند که جهت تحکیم و تقویت مبانی دینی ساخت مسجد ضروری می‌نماید. خداوند در این آیه موسی و فرعون را دعوت به ساخت مسجد می‌کند. پیامبر گرامی اسلام در اولین اقدام خود در بدو ورود خود، شروع به ساختن مسجد می‌کند. بنا براین مومنان جهت تحکیم و نشر مبانی اسلام در هر نقطه و مکانی که سکنی می‌گزینند زندگی خود را با ساخت مسجد شروع کنند. چرا که وجود مساجد در شهرها و آبادی‌ها موجب آرامش و مانع زوال و نابودی است.

۱. طبرسی، أبو علی فضل بن حسن، پیشین

بخش سوم: مشارکت در مسجد

منظور از مشارکت در مساجد تقبل آگاهانه و داوطلبانه انجام یا کمک به انجام بخشی از امور عینی و ذهنی یا مادی و فکری مربوط به مساجد است. همکاری و مشارکت در ساخت بنای مسجد به عنوان کار خیر و نیت حسنه از دیرباز وجود داشته است. علاوه بر این کمک و مشارکت مردم در تجهیز امکانات و نیازهای ضروری مساجد مانند تامین فرش، تجهیز کتابخانه و تامین کتب مورد نیاز آن، تعمیر و نگهداری ابنیه و مشارکت در تامین هزینه های ظاهری مسجد، بسیار رایج و درخور توجه است.^۱ از جمله مشارکت های مهم در مساجد، مشارکت در ساخت و ساز آن است. ساخت و ساز مسجد از امور ارزشمندی است که آیات و روایات، تاکید فراوانی بر روی آن داشته اند.

بند اول: مشارکت در عمران مساجد

مقصود قرآن کریم از عمران مساجد، هم عمران ظاهری شامل ساخت و ساز و تأسیسات و هم شامل حضور مؤمنان و ذکر خدا و اجتماع مسلمین در آن می گردد که عمران معنوی است. آیات ۱۷-۱۹ سوره مبارکه توبه به این مسائل پرداخته است. (إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ) (توبه/۱۸) مساجد خدا را تنها کسانی آباد می کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده اند پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند. لفظ انما برای اثبات مطلبی و نفی مطالب دیگر است. «إِنَّمَا تَسْتَقِيمُ عِمَارَتَهَا لِهَوْلَاءِ الْجَامِعِينَ لِلْكَلِمَاتِ الْعَلَمِيَّةِ وَالْعَمَلِيَّةِ وَالْعِمَارَةِ وَيَتَاوَلُ بِنَاوَهَا وَرَمَهَا»^۲

بند دوم: عمران ظاهری مسجد

۲. شایگان، فریبا، تبیین جامعه شناختی مشارکت مردم در مساجد، تهران، ۱۳۸۹ش، ص ۲۰

۱. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، تهران، ۱۴۱۵ه، ج ۲ ص ۳۲۷

ساخت مسجد از امور ارزشمند و نوعی عبادت به شمار می‌رود و در آیات و روایات اسلامی تاکید فراوانی بر آن شده است. (فی بیوتِ اذنِ الله ان تُرفعَ ويُذکرَ فیها اسمُهُ یُسحُّ لَهُ فیها بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ) (نور/۳۶) در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود در آن [خانه‌ها] هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: «کلمه فی بیوت متعلق به جمله کَمشکاه در آیه قبلی است و یا متعلق به کلمه یهدی است و برگشت هر دو به یکی است از این مصادیق یقینی، این بیوت، مساجد است تا آماده هستند تا ذکر خدا در آنها گفته شود و صرفاً برای این کار ساخته شده‌اند.^۱ برخی بر این نظرند که مقصود چهار مسجد است که به دست پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ساخته شده است.^۲ زمخشری نیز در تفسیر الکشاف از قول ابن عباس آن را مساجدی دانسته که خداوند امر کرده، بنا شوند و اذن را بنا کردن و ساختن دانسته است.^۳ در سوره سبا آیات ۱۲ و ۱۳ نیز (وَمِنَ الْجِنَّةِ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ) (سبأ/۱۲)... (يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحَارِبٍ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ) (سبأ/۱۳) برخی از جن به فرمان پروردگارشان پیش او کار می‌کردند و هر کس از آنها از دستور ما سر برمی‌تافت از عذاب سوزان به او می‌چشانیدیم آن [متخصصان] برای او هر چه می‌خواست از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگهای چسبیده به زمین می‌ساختند.

بند سوم: عمران ظاهری مسجد در روایات

در روایات اسلامی بر سازندگان و بانیان مساجد اجر و پاداش فراوانی ذکر گردیده که به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

الف) بهشت پاداش سازندگان مسجد

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، پیشین، ج ۵، ص ۱۷۵

۱. طبرسی، أبو علی فضل بن حسن، پیشین، ج ۱۴۳، ص ۱۱۷

۲. زمخشری، جار الله، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۳۲

۱- قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): من بنى مسجدا يذكر فيه اسم الله بنى الله له بيتا فى الجنة هر كس مسجدی بسازد که در آن نام خداوند ذکر شود، خداوند خانه‌ای برایش در بهشت می‌سازد.^۱

۲- قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): من بنى لله مسجدا ولو كمفحص قطاة بنى الله له بيتا فى الجنة. هر كس برای خدا مسجدی بسازد اگر چه به اندازه لانه مرغی باشد، خداوند خانه‌ای برایش در بهشت می‌سازد.^۲

۳- قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): من بنى مسجدا فى الدنيا أعطاه الله بكل شبر منه أو قال بكل ذراع منه مسيرة أربعين ألف عام مدينة من ذهب، وفضة، ودر، وياقوت، وزمرد، وزبرجد، ولؤلؤ و فيه ثواب جزيل. رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: هر كس مسجدی در دنیا بسازد، خداوند به هر وجب یا ذراعی از آن، شهری در بهشت از طلا و نقره و درّ و یاقوت و زمرد و زبرجد و مروارید برای او بنا می‌کند و در آن ثواب فراوان است.^۳

۴- قال سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول من بنى مسجدا لله بنى الله له فى الجنة مثله گفت شنیدم که رسول خدا (صلى الله عليه وسلم) فرمودند: هر كس مسجدی بسازد، خداوند خانه‌ای همانند آن برایش در بهشت می‌سازد.^۴

۵- قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: من بنى مسجدا بنى الله له بيتا فى الجنة امام صادق (عليه السلام) فرمودند هر كسى مسجدی بنا کند خداوند خداوند خانه‌ای در بهشت برای او می‌سازد.^۱

۳. الهندی، المتقى، كنز العمال، لبنان، ۱۴۰۹هـ، ج ۷، ص ۶۵۴

۱. القزوينى، محمد بن يزيد، سنن ابن ماجه، بی‌جا، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۴؛ عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، قم، ۱۴۱۴هـ، ج ۵ ص ۲۰۵

۲. همان، ج ۵ ص ۲۰۵

۳. مسلم بن حجاج، ابوالحسن، صحیح مسلم، بیروت، ۱۴۰۱هـ، ج ۲، ص ۶۸

ب) بانیان مساجد مانع نزول بلاای آسمانی

۱- عن أبيه ، عن الحسن بن علي الكوفي ، عن أبيه ، عن عبد الله بن المغيرة ، عن السكوني عن جعفر بن محمد ، عن آبائه (عليهم السلام) قال : إن الله إذا أراد أن يصيب أهل الأرض بعذاب قال : لولا الذين يتحابون في ، ويعمرون مساجدي ، ويستغفرون بالاسحار ، لولاهم لأنزلت عذابي . (هر گاه خداوند بخواهد زمینیان به عذاب دچار شوند می گوید: اگر نبودند کسانی که مرا دوست دارند و مساجدم را تعمیر می کنند و در سحرها استغفار می کنند، اگر آنان نبودند قطعاً عذابم را نازل می کردم).^۲

ج) آبادگران مساجد در زمره خانواده الهی

«ان عُمَار بيوت الله هم اهل الله عزوجل آباد کنندگان خانه خدا در زمره خانواده الهی اند»^۳

بخش چهارم: شرایط تولیت و تعمیر مساجد

بدون شك قرار گرفتن در زمره متولیان و آبادگران مساجد موهبتی است الهی که خداوند متعال همواره نصیب بندگان خاص و برگزیده خود قرار داده است و در قرآن کریم شرایطی را برای آن ذکر نموده که هرکسی بدون داشتن این شرایط نمی تواند این موهبت را نصیب خود گرداند. اوصاف این بندگان برگزیده و رستگار در قرآن کریم اینگونه بیان شده است: (إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ) (توبه/۱۸) مساجد خدا را تنها کسانی آباد می کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده اند پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند. نکاتی که از آیه برداشت می شود بدین شرح است.

۴. عاملی، شیخ حر، پیشین، ج ۵ ص ۲۰۴

۱. همان، ص ۲۰۵

۲. الهندی، المقتی، پیشین، ج ۷، ص ۶۵۱

الف) از جهت اعتقادی، ایمان به مبدا و معاد

ب) از نظر عملی، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

ج) از جهت روحی، شجاعت و نفوذ ناپذیری

(مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ): این دو شرط جنبه اعتقادی و زیربنایی دارد. کسی که ایمان به خدا نداشته باشد و توحید را قبول نداشته باشد، چگونه می تواند جایی را بسازد و آباد کند که در آن ذکر خدا گفته می شود (وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا) (حج/۴۰) و همچنین کسی که به معاد و روز رستاخیز ایمان نداشته باشد چگونه می تواند متولی مکانی باشد که قرار است انسان را به سعادت برساند و برای روز رستاخیز آماده کند. وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ (برپاداشتن نماز و پرداخت زکات): یکی دیگر از شرایط آباد کنندگان مساجد، اقامه نماز و پرداخت زکات است. در قران کریم هر جا لفظ نماز آمده، زکات هم ذکر شده به جز چهار مورد در اصل کلمه نماز ۳۲ بار در قران ذکر شده و زکات ۲۸ بار و این ارتباط عمیق اقامه نماز با پرداخت زکات را می رساند که از شرایط سازندگان مسجد نیز به شمار می رود فلسفه این کار نیز واضح است. در شرایط قبلی که ذکر گردید، ایمان به خدا و معاد یک اعتقاد قلبی است و برای عملی کردن این ادعا باید با عمل آن را اثبات کرد. نماز و زکات دو عامل پیوند با خدا و خلق خداست. کسی که اهل نماز و ذکر با خدا نیست چطور می تواند جایی را آباد کند که محل ذکر و یاد خداست و کسی که حق محرومان را در مال و دارایی خود نگه دارد و زکات مالش را ندهد، چگونه می تواند اموال خود را صرف ساخت و ساز مسجد کند؟

اخلاص: در انجام هر کاری اخلاص در آن عمل ضروری است و گرنه اگر در کاری نیت غیر خدایی داخل شود، آن عمل تباه می گردد. قران در مورد سازندگان مسجد ضرار می فرماید: (لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...) (توبه/ ۱۰۸) چون نیت و حسن فاعلی سازندگان آن برای غیر خدا بود، به پیامبر (صلی الله علیه وسلم) دستور داده شد که مسجد را خراب کند و در آن نماز برپا ننگردد. قران کریم پس از شمردن اوصاف آباد کنندگان

مساجد، ایمان به خدا، معاد، نماز، زکات و شجاعت، باز می‌فرماید: *فَعَسَىٰ أَوْلَىٰ لَكَ أَن يَكُونُوا مِنَّا* یعنی باز هم احتمال انحراف وجود دارد؛ باید مواظب باشند و به عمل خویش مغرور نشوند و دچار خودخواهی نگردند چرا که شیطان هر آینه در کمین انسان است تا نیت او را تباه کند.^۱

شجاعت: *وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ* علاوه بر شرایط یاد شده، کسی که می‌خواهد متصدی امور مساجد و مراکز عبادت باشد، باید تنها انگیزه‌ی او برای این کار عشق به خدا و احساس مسولیت در برابر فرمان او باشد و جز از خداوند ترس و هراس نداشته باشد.^۲ و جز از خدا نترسیدن، همان یکتاپرستی و بنده‌ی خدای یگانه بودن است و تا انسان یکتاپرست نباشد، نمی‌توان مسوول خانه توحید و یکتاپرستی باشد و از آنجایی که مساجد پایگاه تبلیغ دین و رسالت‌های مهم الهی‌اند، متصدیان آن باید همانند مبلغان دین خدا، خداترس و در برابر موانع با شهامت و شجاع باشند. *(الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا)* همان کسانی که پیامهای خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند. (احزاب/۱۳۹)

بخش پنجم: چه کسانی حق تعمیر مساجد را ندارند؟

همانگونه که ذکر گردید خداوند اوصافی را برای تعمیر کنندگان و آباد کنندگان مساجد بیان فرموده است در آیه دیگری مشرکان را از تعمیر مساجد نهی کرده و اجازه نداده آنان در مشارکت مساجد سهمی داشته باشند. *(مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ)* مشرکان را نرسد که مساجد خدا را آباد کنند (توبه/۱۷) کلمه *يعمروا* از عماره است که ضد خرابی است. وقتی گفته می‌شود عمر الارض که زمین را آباد کرده و در زمین بنایی بالا برده باشد و عمر البیت، وقتی گفته می‌شود که نقاط مشرف بر خرابی خانه را اصلاح کرده باشد. تعمیر هم از

۱. قرآنی، محسن، پیشین، ج ۵، ص ۳۴

۱. گروهی از پژوهشگران، پیشین، ص ۵۲

همین ماده و به همین معناست و همچنین عمر عبارت است از تعمیر بدن به وسیله روح، اگر هم زیارت خانه خدا را عمره می گویند باز به خاطر همین است که زیارت مردم مایه آبادانی بیت الحرام است. مقصود از عمارت در جمله (أَمَّا يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ...) (توبه ۱۸) اصلاح نواحی مشرف به خرابی و مرمت آن است نه آباد کردن آن با زیارت. چون اگر به این معنا باشد باید بگوییم آیه منحصرنا ناظر به مسجد الحرام است که زیارت دارد و سایر مساجد را شامل نمی-شود و حال آنکه منظور آیه، مطلق مساجد است. گو اینکه سایر مساجد هم با نماز خواندن در آنها رونقی به خود می گیرند که ممکن است اسم « را عمارت و زیارت گذاشت. لیکن معهود از قران این است که این عمل را دخول در مسجد می خوانند نه زیارت.^۱ علاوه بر اینکه آیه بعدی می فرماید (أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) (توبه ۱۹) آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد. برداشتی که از کلام علامه طباطبایی می شود این است که منظور از عمران در این آیه عمران ظاهری مسجد است. بنا بر این مسلمانان نباید هدایا و کمک های مشرکان بلکه تمامی فرق غیر اسلامی را برای ساختمان مساجد خود بپذیرند زیرا آیه اول گر چه تنها سخن از مشرکان می گوید ولی آیه دوم که با کلمه انما شروع شده، عمران مساجد را مخصوص مسلمانان می سازد و اینجا روشن می شود که متولیان و پاسداران مساجد باید از میان پاک ترین افراد انتخاب شوند نه اینکه افراد ناپاک و آلوده به خاطر مال و ثروتشان و یا به خاطر نفوذ اجتماعیشان چنانکه در بسیاری نقاط متاسفانه رایج شده بر این مراکز عبادت و اجتماعات اسلامی گمارده شوند بلکه تمام دست های ناپاک را از تمام این مراکز مقدس باید کوتاه ساخت. و از آن روز که گروهی از زمامداران جبار و یا ثروتمندان آلوده و گنهکار دست به ساختمان مساجد و مراکز اسلامی زدند، روح و معنویت و برنامه های سازنده آنها

مسخ شد و همین است که می‌بینیم بسیاری از اینگونه از مساجد شکل ضرار را به خود گرفته است.^۱

بخش ششم: بررسی و تحلیل عمران معنوی مساجد

بند اول: حضور در مسجد

حضور در مسجد امری بسیار مطلوب و ارزشمند است و کسانی که به مسجد آمد و شد دارند و در آن به عبادت و یاد خدا می‌پردازند با بهترین تفاسیر ستایش و تشویق شده‌اند.

۱- عن النبی (صلی الله علیه وآله) قال: " یقول الله تعالی: [ألا إن فی الأرض المساجد ، ترضی لأهل السماء كما ترضی النجوم لأهل الأرض ، الا طوبی لمن کانت المساجد بیوته . الا طوبی لمن توضع فی بیته ثم زارنی فی بیتی ، الا ان علی المزور کرامه الزائر ، الا بشر المشائین فی الظلمات إلی المساجد ، بالنور الساطع یوم القیامه.^۲

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند همانا خانه‌های من در زمین مساجد هستند که نور افشانی می‌کنند به اهل آسمان همانطور که ستارگان برای اهل زمین نور افشانی می‌کنند خوشا به حال کسی که مساجد خدا خانه اش باشد. خوشا به حال کسی که در خانه اش و ضو بگیرد سپس مرا در خانه ام زیارت کند. آگاه باشید گرامی داشتن زائر بر زیارت شده واجب است. بشارت باد به نور درخشان در روز قیامت برای کسانی که در شبهای تاریک قصد رفتن به مسجد را دارند.

۲- ومن کانت المساجد بیته ، ضمن الله له بالروح والراحه ، والجواز علی الصراط " وقال (صلی الله علیه وآله) : " إذا رأیتم الرجل یعتاد المساجد ، فاشهدوا له بالایمان ، لان الله یقول : " إنما یعمر مساجد الله من آمن بالله " . هر کس مسجد خانه اش باشد خداوند آسایش و آرامش و

۲. مکارم و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۱۶-۳۱۷

۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، ۱۴۰۸ه، ج ۳، ص ۳۶۳

عبور از صراط را برای او ضمانت می‌کند. و همچنین فرمودند هنگامی که شخصی را دیدید که به مسجد رفتن عادت دارد پس به ایمان او شهادت دهید چرا که خداوند می‌فرماید آباد کنندگان مساجد کسانی هستند که به خدا ایمان داشته باشند.

۳- وقال (صلى الله عليه وآله): من سمع النداء فى المسجد فخرج منه من غير علة فهو منافق إلا أن يريد الرجوع إليه.^۱ کسی که صدای اذان در مسجد را بشنود و بدون علت از مسجد خارج شود منافق است جز اینکه قصد برگشت به مسجد را داشته باشد.

بند دوم: لزوم توجه به بهداشت مساجد

مسجد خانه خداست بر طبق روایات نبوی خانه هر مومن نیز هست (المسجد بيت كل المومن)^۲ بنابراین یک مسلمان همچنان که باید به طهارت و نظافت خانه خود اهتمام ورزد، باید مساجد را نیز پاکیزه نگه دارد. بر این اساس لازم است نخست مسجد را از نجاسات حفظ نماید، زیرا نجاست مانع یاد خدا می‌گردد سپس به تنظیف مسجد از کثافات پردازد منظور از کثافات، آلودگی‌هایی چون گرد و غبار و خاکروبه و آب دهان و بینی و غیره است که در روایات تأکید بسیار از خودداری از این موارد در مسجد شده است. امام موسی کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: «ومنه قال: سمعت أبا الحسن عليه السلام يحدث عن أبيه أن الجنة والحدود لتشتاق إلى من يكسح المساجد ويأخذ منها القذى.»^۳ برآستی که بهشت و پری مشتاق کسی هستند که غبار روبی کند مسجد را و غبار آن را بردارد. غبار روبی مساجد نیز از مصادیق زدودن کثافات از مساجد است که در روایتی بر عمل به آن تأکید شده است. پیامبر اسلام می‌فرماید: «ابنوا المساجد و اخرجوا القمامه منه» مساجد را تاسیس کنید و خاکروبه را از آنها خارج سازید.^۴

۱. نیشابوری، القتال، روضه الواعظین، قم، بی تا، ص ۳۳۷

۲. الهندی، المتقی، پیشین، ج ۷، ص ۶۵۰

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۸۰، ص ۶۵۷

۴. الهندی، المتقی، پیشین، ص ۶۵۷

بند سوم: بایسته‌های بهداشتی مسجدیان قبل از ورود به مسجد

۱- **طهارت:** یکی از بایسته‌هایی که در روایات قبل از ورود به مسجد مورد تاکید قرار گرفته طهارت است. پیامبر اسلام می‌فرماید (لا تدخلوا المساجد الا بالطهاره) به مساجد داخل نشوید جز با طهارت.^۱

۲- **آراستگی ظاهری:** در روایات فراوان تاکید شده که مسلمانان قبل از ورود به مسجد خود را آراسته نمایند. از لحاظ نظافت بدن و لباس از حیث شانه کردن و مرتب ساختن موهای سر و صورت و پوشیدن لباس زیبا و مناسب و داشتن بوی خوش و استعمال عطریات.

بند چهارم: بایسته‌های بهداشتی مسجدیان در داخل مسجد

بهداشت مساجد یک عنوان کلی و فراگیر است که در هر زمان و شرایط و مقتضیات مختلف شامل تمام امور مساجد اشیاء و فرش‌ها و در و دیوار و صحن و شبستان و نمای داخلی و بیرونی و مسجد روندگان و هر چیزی که به نوعی با مسجد در ارتباط است، می‌گردد. مقوله‌هایی چون بهداشت کفش‌ها و پاها و پرهیز از انداختن آب دهان در مسجد و رها کردن موجودات آلوده بدن در مسجد و غیره در روایات صریحا ذکر شده است. اما مسائل دیگر بسته به نیاز مساجد توسط خود مردم و متصدیان امور مساجد صورت می‌گیرد. قطعاً مسجدی که نامنظم و نامرتب باشد و از نظر بهداشتی و پاکیزگی، مورد توجه قرار نگیرد، محیط خوبی برای بندگان مؤمن خدا جهت راز و نیاز و گفتگو با او نخواهد بود. لذا یکی از وظایف متولیان امر مساجد، آماده کردن این مکان‌های مقدس برای نمازگزاران و مؤمنان است. این آمادگی از دو جهت معنوی و بهداشتی است. هر چقدر محیط مسجد پاکیزه و بهداشتی باشد افراد بیشتری از جوانان و اقشار مختلف را به خود جذب می‌کند. خداوند خطاب به ابراهیم و اسماعیل (علیهم السلام) می‌فرماید (وَ عَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) (بقره/۱۲۵) «خانه مرا جهت طواف کنندگان و معتکفین و رکوع

کنندگان و سجده کنندگان تطهیر گردانید. « ضروری است که نمازگزاران و اهالی مسجد هنگام رفتن به مسجد و حضور در محیط مسجد به بهداشت ظاهری مسجد توجه داشته باشند. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید (یا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ) ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی بگیرید (اعراف/۳۱) در تفسیر صافی از قول نجاشی نقل می‌کند که امام حسن (علیه‌السلام) بهترین لباسش را به هنگام نماز می‌پوشید. وقتی به او می‌گفتند چرا این کار را می‌کنی؟ حضرت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي هُوَ يَقُولُ " يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ" ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی بگیرید» (سوره اعراف/۳۱)^۱

بند پنجم: تخریب مساجد

نقطه مقابل عمران مساجد، تخریب مساجد است. همانگونه که آبادکنندگان مساجد نزد خداوند، جایگاه ممتاز و ویژه‌ای دارند، کسانی که در جهت تخریب مساجد تلاش می‌کنند چه به صورت فیزیکی و چه به صورت منع و جلوگیری از یاد خداوند و حضور مردم، جزء دسته ظالمان و متجاوزان به حقوق مردم قلمداد می‌شوند. قرآن در این رابطه می‌فرماید: (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيًا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ) چه کسی ستمکارتر از کسانی است که از بردن نام خدا در مساجد جلوگیری می‌کنند و سعی در ویرانی آنها دارند، شایسته نیست آنان جز با ترس و وحشت وارد این کانونهای عبادت شوند، بهره آنها در دنیا رسوایی و در سرای دیگر عذاب عظیم است. (بقره/۱۱۴) بنابر آنچه از شأن نزولها و برخی روایات به دست می‌آید، آیه درباره کسانی نازل شده است که درصدد تخریب مساجد برآمده بودند. در طول تاریخ، تخریب مساجد و یا جلوگیری از رونق آنها، بارها به دست افراد منحرف و طاغوت‌ها صورت گرفته است. از تخریب بیت‌المقدس و آتش زدن تورات به دست مسیحیان به رهبری

شخصی به نام فطلوس تا ممانعت قریش از ورود مسلمانان به مسجد الحرام نمونه‌ای از این تلاش هاست. توجه به این نکته نیز لازم است که جلوگیری از ورود به مسجد و ذکر نام پروردگار و کوشش در تخریب آن تنها بدان معنی نیست که با بیل و کلنگ، ساختمان آن را ویران سازند بلکه هر عملی که نتیجه آن تخریب مساجد و از رونق افتادن آن باشد نیز مشمول همین حکم است.^۱ فخر رازی درباره زکات و عمارت مسجد می‌نویسد اعتبار اقامه نماز و پرداخت زکات در عمران و آبادی مسجد گویی دلالت دارد که آبادی مسجد به حضور در آن است زیرا وقتی انسان نمازگزار باشد در مسجد حضور می‌یابد و مسجد را رونق و آبادی می‌بخشد و وقتی زکات دهنده باشد، طوایف فقرا و مساکین برای دریافت زکات به مسجد روی می‌آورند و بدین وسیله مسجد، آباد می‌گردد.^۲

بخش هفتم: شکل‌گیری عناصر مسجد

از تاریخ بنای مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) اولین مسجد اسلام تا کنون چهارده سده گذشته است و تاریخ پیدایش مسجد به اندازه قدمت اسلام شده است. در طول تاریخ، مساجد از یک بنای ساده و کوچک به بناهایی وسیع، مرتفع و با عظمت تبدیل گشتند. هر حکومتی که روی کار آمد ساختن مسجد را مهم‌ترین و ضروری‌ترین برنامه خود قرار داد و هیچ کس چه فرد عامی و چه حکومتی در ساختن مسجد تردیدی نکرد. کسانی که مسجد را در دنیای وسیع اسلام بنا کردند مردمی بودند که در پی داشتن فضایی معنوی در این جهان برآمدند و بر آن شدند تا هر آنچه تعلیمات الهی است، تجسم و تحقق یابد در این راستا مساجد فضایی شدند که به زعم آگاهان خودی و غیر خودی، به نهایت موفقیت رسیدند. در معماری اسلامی - ایرانی، بدون شک جنبه‌های ساختمانی و نوآوری در فضاها و مساجد و ایجاد فضای تازه در سیر تاریخی خود در ردیف اول است. سبک معماری ایران در عناصر معماری همچون قوس‌ها،

۱. مکارم و همکاران، ناصر، پیشین، ج ۱، ص ۴۱۱

۲. فخر رازی، ابو عبدالله، مفاتیح الغیب، بیروت، ۱۴۲۰هـ، ج ۱۶، ص ۱۱

تاق بندی‌ها، گنبدها و حتی مقرنس به عنوان یک تزیین حجمی و سه بعدی پیشتاز بود و توانست این دستاوردها را به دیگر سرزمین‌های اسلامی نشان دهد.^۱

بند اول: ساخت مناره بر روی مساجد

درباره اصل مناره گفته شده که مناره در اصل، مربوط به آتش پرستان بوده است. آنان در بالای مناره آتش بر می‌افروختند تا مردم آن را نظاره کنند و بپرستند. گفته شده مسلم بن مخلد انصاری فرماندار معاویه در مصر، اولین کسی است که به فرمان معاویه برای مسجد، مناره ساخته است.^۲ در کتاب‌های فقهی معمولاً دو نکته پیرامون مناره مسجد مطرح شده است؛ اول اینکه مکروه است مناره را از پشت بام بالاتر ببرند. در روایتی از امام علی (علیه السلام) آمده است «سالت ابا الحسن عن الاذان فی المناره ا سنه هو؟ فقال آتما کان یوذن للنبی فی الارض و لم تکن بزمنه مناره» راوی از امام علی (علیه السلام) می‌پرسد آیا اذان در مناره سنت است؟ یعنی در زمان پیامبر این کار به عنوان یک سنت انجام می‌شده است؟ امام فرمود در زمان پیامبر اذان که گفته می‌شد، روی زمین بود و در آن زمان، مناره‌ای وجود نداشت. پس از این حدیث استفاده می‌شود که مناره سنت نیست. پس اذان در مناره هم سنت نیست. و روی انّ علیاً (علیه السلام) مرّ علی مناره طویله فامر بهدمها ثم قال «لا ترفع المناره الا مع سطح المسجد» امیر المؤمنین (علیه السلام) از کنار مسجدی عبور کردند که دیدند یک مناره بسیار طولانی دارد یعنی بلند و مرتفع است، حضرت دستور دادند آن مناره را خراب کنند و فرمودند: «ارتفاع مناره تا سطح مسجد است یعنی مسجد هر چند بلند است مناره هم همانقدر باشد یعنی از مسجد بلند تر نباشد. مرحوم علامه مجلسی در خصوص ارتباط مناره و اذیت همسایگان آن می‌نویسد: «در میان اصحاب، کراهت بلندی مناره به خاطر اشراف مؤذن بر اطراف خانه مشهور است. در کشف الغمه راجع به یکی از برنامه‌های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در

۱. موظف رستمی، محمدعلی، پیشین، ج ۳، ص ۸۲

۲. همان، ص ۹۶

عصر ظهور می‌نویسد: «وقتی امام دوازدهم ظهور نماید، دستور می‌دهد مناره‌های بلندی که سبب اذیت همسایگان است خراب کنند.»^۱

بند دوم: توجه به بعد عرفانی در معماری مساجد

از آنجا که اصولاً کسانی به ساخت و تعمیر مساجد اقدام می‌کنند که خود نسبت به رعایت مسائل و احکام و اخلاق و اعتقادات دینی مقید هستند و به گسترش و تحکیم مبانی اسلامی علاقه‌مند می‌باشند، معمولاً این افراد مؤمن و متقی خود مسائل اخلاقی و عرفانی را در ساخت مساجد لحاظ می‌کنند و قرآن نیز بر این واقعیت در آیه‌ی شریفه‌ی سوره توبه اشاره نموده است. (انما یعمر.....) (توبه/۱۸) پس مسجد الگو و نمونه باید بیش از هر چیز، خدا را در انسان زنده نماید همین ویژگی خود در شخصی که وارد مسجد می‌گردد، آرامش و اطمینان می‌کند چرا که یاد خدا باعث آرامش دلهاست.

بند سوم: آسیبهای طراحی در ساخت مساجد

۱- نبود سیاست مدون و مشخصی در زمینه ساخت مسجد: در بعضی از محلات پر جمعیت یا مسجدی وجود ندارد یا بسیار کوچک است که جوابگوی خیل عظیم نمازگزاران نیست و بر عکس در مناطق کم جمعیت مساجد بزرگی ساخته شده که خالی از نمازگذار است. لذا شایسته است در برنامه‌ریزی‌های شهری، تراکم جمعیتی جهت بنای مساجد در نظر گرفته شود.

۲- در جامعه، شاهد ساخت مساجد بر اساس عرق قومی و ملی هستیم خصوصاً در شهرهای بزرگ و مهاجر پذیر، هر قومیتی برای خود مسجدی بنا نموده که باعث به هم خوردن تعادل تراکم مساجد می‌شود. باید دیدگاه‌ها فراتر از این مسأله باشد چرا که مساجد برای هدایت تمام اقشار جامعه است نه قومیت و ملیت خاصی. برای جلوگیری از این مسأله باید ارگان‌ها و نهاد-های مسوول برای صدور مجوز مساله تراکم و فاصله فیزیکی را مد نظر قرار دهند.

۳- در رنگ آمیزی مساجد، نمای بیرونی از رنگ‌هایی استفاده شود که از لحاظ روانشناسی برای عموم مردم و نماز گزاران، آرام بخش باشد.

۴- استفاده از فضای سبز مناسب در بیرون مساجد، تاثیر مثبتی در روحیه نماز گزاران و جلب توجه بیشتر در جذب جوانان و نوجوانان به مسجد دارد حتی می‌توان بسیاری از برنامه‌های فرهنگی و کلاس‌های اوقات فراغت را در این فضای باز و شاد برگزار کرد.

نتیجه گیری

مساجد از صدر اسلام تا کنون همواره کانون همبستگی و وحدت مسلمانان بوده است. در عظمت مسجد همین بس که مقدس‌ترین مکانهای روی زمین بوده و خادمان این خانه‌های نورانی جزء افراد خاص و برگزیده اما متأسفانه در طول سالیان اخیر کارکرد مساجد کمرنگ شده و تلقی جامعه از مسجد در پایین‌ترین کارکرد آن یعنی نمازهای روزانه پایین آمده حتی بسیاری از مساجد کارکرد عبادی خود را نیز به درستی ایفا نمی‌کنند و بیش از نیمی از مساجد فاقد امام جماعت می‌باشند و حال آنکه در سالیان نه چندان دور مساجد مهم‌ترین مراکز فرهنگی قابل اعتماد مردم محسوب می‌شد و بسیاری از امور مانند امور قضایی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، عبادی و... در مساجد انجام می‌گرفت. در حوزه مدیریت مسجد که نقش اصلی آن به عهده امام جماعت است. به نقش بی‌بدیل آن در جذب جوانان به مسجد و خصوصیات و ویژگی امام جماعت نمونه اشاره و علاوه بر آن به نقش خانواده، اجتماع، مسجد و خود فرد در جذب به مسجد پرداخته شده است و چنین برداشت شده است که برای جذب جوانان به مسجد باید جو حاکم بر خانواده و اجتماع باید سالم باشد در غیر اینصورت در خانواده‌های نابسامان و جوامعی که ارزشهای خود را با ضد ارزشها عوض نموده چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که جوانان تمایل به حضور در برنامه‌های مسجد داشته باشند همچنین خود فرد بینش و ایدئولوژی او می‌تواند شخصیتی بسازد که وی را به طرف مسجد و امور معنوی جذب کند. محیط و فضای حاکم بر مسجد چه از لحاظ فرهنگی و

جذابیت برنامه ها و چه از لحاظ مسائل بهداشتی و سبک معماری می تواند نقش اساسی در جذب حد اکثری جوانان داشته باشد. مساجدی که دارای سبک معماری اصیل و در جای پر تردد شهر قرار دارد و و از لحاظ بهداشتی در سطح ایده آل بوده و دارای امام جاعت فعال و متولیانی مهربان و خوش برخورد دارد در جذب جوانان بسیار موفق تر از مساجدی بوده اند که این خصوصیات را ندارند.



منابع و مأخذ

الف) منابع عربی

- ۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن
- ۳- زمخشری، جار الله، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ هـ
- ۴- عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، چاپ دوم، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۴ هـ
- ۵- فخر الدین رازی، ابو عبدالله، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت، دارالاحیاء التراث الادبی، ۱۴۲۰ هـ
- ۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۱۰ هـ
- ۷- فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، چاپ دوم، تهران، الصدر، ۱۴۱۵ هـ
- ۸- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، چاپ؟، بی جا، بی تا
- ۹- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش
- ۱۰- قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، چاپ؟، بی جا، دار الفکر للطباعه، بی تا
- ۱۱- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چاپ پنجم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش
- ۱۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ هـ
- ۱۳- سلم بن حجاج، ابو الحسن، صحیح مسلم، چاپ؟، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ
- ۱۴- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، چاپ دوم، بیروت، موسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ

ب) منابع فارسی

- ۱- گروه پژوهش‌های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد، سیمای مسجد در قرآن، چاپ اول، قم، انتشارات ثقلین، ۱۳۸۸ش
- ۲- شایگان، فریبا، تبیین جامعه شناختی مشارکت مردم در مساجد، چاپ دوم، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۸۹ش
- ۳- زکریایی کرمانی، ایمان و حبیب الله آیت الهی، «تجلی حکمت هنر اسلامی در بنای خانه های خدا»، مسجد، جوانان، چالشها و راهکارها، چاپ اول، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹ش
- ۴- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سید محمد باقر، (مترجم)، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش
- ۵- طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ش
- ۶- رائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ دهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش
- ۷- موظف رستمی، محمد علی، آیین مسجد، چاپ اول، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۲ش
- ۸- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ چهل و سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ش



ژوئیه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی